

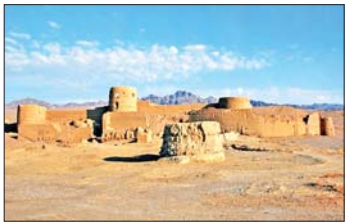
نگاه

بوی آبادی در ابوزیدآباد

فاروق مظلومی

● اغلب وقتی از جاذبه‌های گردشگری یک منطقه سخن می‌گوییم به آثار دیدنی طبیعی یا انسان‌ساخت آنجا توجه می‌کنیم و نهایت توجه‌مان جاذبه‌های چشم‌اندی مثل غذا و نوشیدنی‌های آنجاست. هرگز نشنیدیم کسی بگوید جاذبه‌های شنیدنی فلان روستا یا شهر خیلی جالب بود. این موضوع در کشوری با شش یا هفت زبان که در گویش‌های مختلف بر زبان می‌آید، عجیب است. یکی از گویش‌های متنوع ایران «گویش‌های مرکزی» است که بالغ بر ۳۰ نوع گویش هست. یکی از رازآلودترین آنها گویش ابوزیدآباد یا بیدوی – Bizroy – است. ابوزیدآباد با نام باستانی ابروز و نام محلی بیدوی در ۳۰کیلومتری جنوب شرقی کاشان در منطقه‌ای بیابانی شامل جاذبه‌های زیبای برخان‌ها – تپه‌های هلالی ماه‌های – قرار دارد. مردم کاشان و بعضی از شهرهای همین منطقه ابوزیدآباد را بوزآباد تلفظ می‌کنند. بوز در زبان دری زرتشتیان یزد به معنی «بوی» است و این‌چنین است که ابوزیدآباد، بوی‌آباد خوانده می‌شود و الحق بوی آبادی می‌دهد. به ابوزیدآباد که رسیدید بازدید از قلعه کرشاهی، قلعه سردار، قلعه و کاروان‌سرای سفیدآب و گرماب را فراموش نکنید.

اما آنچه در گویش بیدوی اهمیت پیدا می‌کند، در امان‌ماندن این گویش از تحولات آوایی است. دکتر سیدطیب رزاقی در کتاب گویش ابوزیدآبادی اشاره می‌کند که بسیاری از گویش‌های ایرانی یا از بین رفته‌اند یا جایشان را به فارسی معیار داده‌اند. اینن گویش فاخر هنوز جنس دستوری



تصویری از کویر ابو زیدآباد

هادی ذالکی: چند وقت پیش طرح جامع مشهد رونمایی شد تا لکنت گفت‌وگو بین مدیریت شهری و نهادهای متولی شهرسازی و سرمایه‌گذاران را برطرف کند. طرحی که قرار است ترسیم‌کننده افق توسعه مشهد باشد اما به نظر منتقدان، این طرح حرفی برای گفتن ندارد. شاید بهترین کاربردی را که می‌توان برای این سند متصور شد، خروج شهرسازی مشهد از بی‌برنامگی و بلاتکلیفی باشد. طرح‌های تفصیلی مشهد که زیرمجموعه طرح جامع تعریف می‌شوند قرار است بار کم‌وکاستنی‌های طرح جامع را به دوش بکشند! در این میان بافت اطراف حرم مطهر و طرح تفصیلی‌اش و نحوه برخورد و نوسازی و بهسازی آن هنوز روی خط خبر است. طرحی که با عنوان بهسازی و نوسازی بافت اطراف حرم در سال ۷۲ و با هدف برنامه‌ریزی برای زائرین کلید خورد و در سال ۷۴ طرح راهبردی تهیه و در سال ۷۵ اولین مصوبه‌اش را گرفت. در آن سال و در دوره وزارت مهندس آخوندی این سند به تصویب رسید. اگرچه بنا بود مبتنی بر ۳۶۰ هکتار این طرح تهیه شود اما در سال ۷۸ و با توجه به امکانات، محدودسازی در مداخله صورت گرفت و سرانجام برای کسب مصوبه به کمیسیون ماده ۵ رفت تا تبدیل شود به سند ملاک عمل در منطقه ثامن. البته خیلی زود استقبال بخش خصوصی از ساخت‌وساز در این موقعیت جغرافیایی مسئولان وقت را واداشت تا پیشنهاد بازنگری در طرح را در همان ایام مجددا مطرح کنند. بازنگری‌ای که در سال ۸۶ انجام شد و با توجه به استقبال بخش‌های مختلف میزان مداخله افزایش یافت تا سال ۸۷ دوباره به کمیسیون ماده ۵ برود و مصوب شود. در واقع آخرین سندی که ملاک عمل است مربوط به سال ۸۷ است. تا اینکه بعد از سال ۹۲ رفته‌رفته موضوع بازنگری در طرح تفصیلی اطراف حرم دوباره مطرح شد.

مهندسان مشاور «طاش» یا همان طرح‌اندیشان شهر حدود ۲۴ سال است که به‌عنوان تهیه‌کننده طرح تفصیلی بافت اطراف حرم در مشهد فعالیت می‌کند. درباره «طاش» و ماندگاری‌اش در مشهد اگرچه از جانب منتقدان حرف‌وحديث‌هایی مطرح شده اما این گفت‌وگو می‌تواند به‌عنوان شنیدن صدای یکی از طرف‌های گفت‌وگو مورد نظر قرار بگیرد.

● ۲۴ سال است که روی طرح تفصیلی اطراف حرم کار می‌کنید. بهتر است گفت‌وگو را از بازنگری سال ۸۶ شروع کنیم. در آن سال سهم فضاهای عمومی اضافه شد و به همان نسبت سهم مداخلات مستقیم هم افزایش داشت. اینکه پروژه‌های مداخله مستقیم افزایش یافت به چه معناست؟

در اطراف فضاهای عمومی پروژه‌هایی داریم که این پروژه‌ها برای اجرا به بخش خصوصی واگذار می‌شود که اصطلاحا به آنها پروژه‌های مداخله مستقیم می‌گوییم. را داشت. اما بعدها دیدیم کسانی که برای سرمایه‌گذاری مراجعه می‌کنند، درخواست عرصه بیشتری دارند. بر همین‌اساس و در بازنگری که در سال ۸۷ انجام شد، این متراز را رساندیم به هزارو ۵۰۰ مترمربع اما در این زمان سند برای تأیید علاوه بر تصویب کمیسیون ماده ۵ نیاز به تأیید شورای عالی شهرسازی نیز داشت. اتفاقا در آن سال‌ها نیز دکتر حناچی دبیر شورای عالی شهرسازی بودند. درواقع طرح فعلی مصوبه کمیسیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسازی را با هم دارد. از سال ۸۷ تا ۹۳ این طرح ملاک اجرایی تمام اقدامات منطقه بود.

● پس از این‌کنش وقوس‌ها و اتفاقاتی که رخ داد ظاهرا آخرین بازنگری، صدای اعتراض مدیریت شهری چه در زمان شورای چهارم و چه شورای پنجم را هم درآورد.

پس از انتخابات ۹۲ و تغییر و تحولات در مدیریت اجرایی کشوری و محلی، موضوع بازنگری طرح تفصیلی اطراف حرم دوباره مطرح و بیان شد که ایراداتی دارد. در این بازنگری عمران بهسازی متولی این اقدام شد و مهندسان مشاور مهرازان برای این کار انتخاب شدند. انتقادات از این قرار بود؛ به بافت تاریخی توجه نشده است. به سکونت توجه نشده و نقش مجاور کم‌رنگ است. دیگری بلندمرتبه‌سازی بود که می‌گفتند چرا در این منطقه تا این حد بلندمرتبه‌سازی رشد داشته است. بر مبنای این سه محور، بازنگری کلید خورد. بازنگری طرح به شرکت مشاور مهرازان واگذار شد و حالا در سال ۹۶ هنوز حرف‌وحديث‌هایی وجود دارد و طرح همچنان در گیرودار است.

● ظاهرا ایرادات قانونی و حقوقی در نحوه انتقال و واگذاری بازنگری به مهرازان مطرح شده بود. علاوه‌بر اینکه خیلی‌ها بازنگری را یک موضع سیاسی قلمداد کردند که ریشه علمی ندارد.

این تصمیمی نبود که در مشهد گرفته شود. برای این تصمیم می‌توان اسم کسانی را آورد که در مقیاس کشوری قدرت تصمیم‌گیری دارند.در واقع روی این تصمیم که بازنگری اتفاق بیفتد و مشاور تغییر کند خیلی مُصر بودند. باید این‌ موضوع مدنظر قرار می‌گرفت که این طرح تا چه حد پیشرفت کرده است؟ آیا این طرح در حد یک نقشه بود؟ سال ۷۵ که بازنگری انجام شد، اثری روی زمین دیده نمی‌شد یعنی نقشه‌ای تبدیل به نقشه‌ای دیگر شده بود. آن‌موقع تصمیم‌گیری خیلی ساده‌تر بود ولی وقتی الان پروژه‌های بسیاری از طرح روی زمین نشسته و مدیریت محلی بر مبنای آن تعهدات زیادی را به عهده زیادی داده است (به عنوان حقوق مکسبیه) دیگر نمی‌شود به این سادگی موضوع بازنگری را مطرح و در مقیاس راهبرد طرح بازنگری تهیه کرد. ما بارها درخواست کردیم که گفت‌وگوی رودررو با هم انجام دهیم به دور از هرگونه جنجالی. اما فقط به چند جلسه تشریفاتی بسنده کردیم و کفایت مذاکرات اعلام شد.

● در شورای چهارم شهر مشهد و مدیریت سابق شهرداری عده‌ای معتقد بودند که مطرح‌شدن این بازنگری، سیاسی است. با حرف‌هایی که گفتید، این گمان پررنگ‌تر می‌شود.

هیچ‌کس توجه نکرده اینجا چه موضوعی اولویت

جامعه

۲۴ سال پس از شروع مطالعات طرح اطراف حرم مطهر در مشهد و نقدهای منتقدان و دفاع متولیان

نمی‌دانند چه می‌خواهند



عکس: ایستا

دارد؟ موضوع اصلی در اینجا امر زیارت است. اینجا یک مرکز آیینی است. آنچه در فضای عرفی شکل گرفته بالطبع فضای قدسی است. کسانی که انتقاد می‌کنند، توجه نمی‌کنند که فضا قدسی است پس باید این مرکزیت را تقویت کنیم و پیرامون را (فضای عرفی) در قاب این معنا تعریف کنیم. کسانی که مسئولان را به اینجا رساندند که برای بازنگری طرح در سال ۹۳ اقدام کنند، با کژفهمی داشتند یا قصد کژفهمان را.

● برای پرسیدن این سؤال شاید دیر باشد اما باید روشن شود که طاش بعد از طرح مطالعاتی اولیه به چه چیزی دست یافت؟

ما دریافتیم که پهنه مرکزی شهر مشهد یگانه و تکین است. مفهوم اصلی فضا امر قدسی است؛ پهنه مرکزی شهر مشهد فضایی دوتبی است. فضای قدسی و فضای عرفی. فضای اولی قدسی است. فضای عرفی امری تبعی و ثانوی است. وضعیت موجود در آن زمان در فضای عرفی شان هم‌جواری با حرم مطهر را نداشت. تشخیصی که در ابتدا داده شد و تصمیمی که بر مبنای آن باید فضا تغییر کند، درست و بجا بود. آن وضعیت باید تغییر می‌کرد. فضای شهری زیارت باید معاصر شود. بررسی این امر برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شد. در مرحله اجرا طرح گرفتار تأمین منابع مالی شد. کسی کمک نکرد؛ طرح ملی را بر دوش مقام‌های محلی گذاشتند و دشواری آغاز شد. این را گرفتیم و نوشتیم اما هیچ بازخوردی از جانب مسئولان کشوری نیامد. اینجا بود که تصمیم گرفته شد برای تأمین منابع مالی روش‌های مختلف را انجام دهند. برای استفاده از تجربیات جهانی تمام موارد مشابه در دنیا مورد مطالعه قرار گرفت تا مطمئن شویم چیزی از قلم نیفتاده. اولین کاری که کردیم این بود که به اداره میراث فرهنگی و گردشگری نامه نوشتیم که آثار فرهنگی این منطقه را معرفی کنید. هفت اثر را اسم بردند که این هفت اثر هیچ‌کدام در محدوده ما نبود. مثل مدرسه پریزاد، حمام شاه و... اما ما به این بسنده نکردیم. سرای عزیزالله‌اف و خانه داروغه و... را ما شناسایی کردیم.

● این کژفهماندن موضوع توسط منتقدان و ایراداتی که مطرح شده را بهتر است با حضور منتقدان صحبت کنیم. برگردیم به موضوع بازنگری....
ما در طرح خودمان برای ۵۱ هزار نفر سهم فضای

مسکونی دیده بودیم. الان در طرح بازنگری که می‌گویند ۱۵ هزار نفر! بعد می‌گویند ما در طرح قبلی به ساکنان اهمیت ندادیم. اما این را در نظر نمی‌گیرند که هر تغییر شهری یک جابه‌جایی را به همراه دارد (منظور مهاجرت ساکنان بافت‌هاست به نقاط دیگر) و این غیرقابل انکار است. همه جای دنیا هم این چنین است.

● دقیقا چرا تا الان بازسازی اطراف حرم برای مشهد یک مسئله است. بازنگری قرار بود این را حل و کردها را باز کند اما نشد؟

تصمیم گرفته‌اند یک کاری انجام دهند اما آداب و شیوه این اتفاق را رعایت نکردند. در هیچ تاریخی نداریم که فضای عرفی اطراف حرم قابلیت‌های قدسی داشته باشد. بایید سفرنامه‌ها را بخوانید؛ ببینید درباره چه چیزی صحبت می‌کردند و این اطراف حرم چه اتفاقاتی می‌افتاد. حالا عده‌ای نقد می‌کنند و می‌گویند کوچه در اطراف حرم یک امر قدسی است. اما نمی‌گویند چرا باید پهنه شهری عرفی واجد ویژگی‌های فضای قدسی باشد؟ کجا و کی چنین بوده است؟ این دو فضا در هم‌قارایی با یکدیگر معنا می‌یابند و معنا می‌بخشند. بهبود کیفیت در فضای شهری باعث تعریف رفتار می‌شود. همیشه این‌طور است که مکان، رفتار را تعریف می‌کند و رفتار به مکان معنا می‌دهد. ما در خیابان پشت حرم، آغل داشتیم که محل نگهداری گوسفند بود برای نذری زوار. این «کژفهمیدن و کژفهماندن»، فضایی درست کرد که کسانی که می‌خواستند تصمیم بگیرند، نمی‌دانستند چه اتفاقی را می‌خواهند رقم بزنند. فقط گفتند آنچه هست دیگر نباشد... حالا چه باید کرد؟ اینجا هم روشن نشد چه باید بکنند.

● در این طرح واژه‌هایی وجود داشت که انتقادها را به سمت شما متقابل می‌کرد. یکی واژه «معاصر سازی» و دیگری «تراز صفر» بود. وقتی بیان می‌شد که چرا سرانه تجاری بالاست می‌گفتند ترازش صفاست و راه توجیه برای ازدیاد تجاری باز می‌شد. چه منظوری در این کلمات وجود دارد؟

تراز صفر به معنای این است که مجری طرح هم مانند مقام عمومی نباید انتظار سود اقتصادی داشته باشد. سود اجتماعی سهم اوست. می‌دانید هر پروژه‌ای که شروع می‌شود باید تصویری از آنکه در نهایت هزینه‌ها درآمدها چه ترازوی نسبت به هم دارند تصویر کند. منتها در این پروژه چون سود متصور مدیر پروژه (مقام عمومی) سود اجتماعی است و سود مالی نمی‌خواهد، پس باید تراز مالی پروژه صفر باشد. این یک مفهوم است. حتی کسانی که این را در دشواری عالی مطرح کردند تا لغوش کنند نیز توجه نکردند که چه کار می‌کنند. خُب حالا لغو شد؛ یعنی چه؟ یعنی مجری طرح حق دارد سود ببرد و از این به بعد سود اقتصادی ملاک عمل خواهد شد؟

● پس بنا شد هزینه‌های طرح از محل درآمدهای طرح باشد. بدون درنظرگرفتن سود برای مجری؟
بله البته اینن در حالی است که درآمد دیگری نداشته باشیم. به‌محض اینکه درآمد دیگری از محل دیگری تأمین شد، باید درآمد ناشی از طرح را کاهش داد. وقتی مفهوم تراز صفر را متوجه شدیم، حالا باید دنبال روش‌های تأمین مالی پروژه باشیم. دولت تأمین نمی‌کند، بانک قرض نمی‌دهد، آستان قدس هم که مسائل خودش را دارد و نمی‌تواند تأمین کند. استانداری نمی‌دهد، شهرداری نمی‌دهد و... بنابراین در راه داشتیم؛ باید طرح را تعطیل می‌کردیم یا باید ادامه می‌دادیم و آن را اجرا می‌کردیم. روش انتخاب‌شده برای تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح، تأمین منابع لازم از خود طرح بود؛ اما در این شرایط نیز حق ندارید سود مالی ببرید.

ادامه در صفحه۱۳

خاطرات یک روانشناس

جز یغل بابا هیچی نمی‌خواستم

سمیه زمانیان ـ روان‌تحلیلگر

● همون‌طور که نشسته بود روی صندلی، با نوک کشکش دور سنگ‌های کف اتاق خط می‌کشید. تن ظریف و دخترونه‌اش توی اون پیراهن گشاد و مردونه کم شده بود. موهای قفرریش از زیر شال آبی‌ش ریخته بود روی پیشونی و کناره‌های صورتش. سرشو آروم بالا آورد. آستین‌های بلند و گشاد پیراهنشو تا زده و گفت: «لباس بایاست. وقتی شبیه مردها باشی، قوی‌تری. این‌طور نیست؟». عمیق توی صورت‌م نگاه کرد و بدون اینکه منتظر پاسخی باشه، ادامه داد: «بابا همیشه مامانو تهدید می‌کرد که یک روز می‌ذاره و میره. نمی‌گفت کجا و کی. فقط می‌گفت میره. تو دعوهاشون مدام این حرف رو تکرار می‌کرد. برای مامان شنیدن این حرف‌ها از زبون بابا عادی شده بود یا شاید هم دیگه براش مهم نبود. ولی من بودم بار از ترس رفتنش تب می‌کردم. مطمئن بودم بالاخره یک روز میره. وقتی‌که داد می‌زد و تهدید به رفتن می‌کرد، صدازش از همیشه محکم‌تر بود. همین هم بود که منو بیشتر می‌ترسوند و تمو داغ می‌کرد. بعد از چند ساعت خودش میومد سراغم. بغلم می‌کرد و پیشونی تیدارمو می‌بوسید. آروم می‌شدم و دیگه جز یغل بابا هیچی نمی‌خواستم. خودش بادم داد چطور ی شعر بگم، چطوری تو پنج‌سالگی بخونم و بنویسم و نقاشی بکشم. وقتی‌که به ساحل بود، باهام کشتی می‌گرفت. می‌گفت:«تو باید قوی‌ترین دختر روی زمین باشی. نمی‌خوام مثل پدرت یه آدم ترسو بشی. این‌جوروقتا آرزو می‌کردم همیشه باشه و دیگه هیچ‌وقت اون کلمه لعنتی میرم رو به زبون نیاره».

موهای ریخته رو پیشونیشو ی‌کم مرتب کرد... حالا می‌شد یه حسرت بزرگ رو توی تک‌تک جمله‌هایی که به زبون میراه حس کرد. «می‌دونستم بابا دلش می‌خواست من پسر باشم. اینو وقتی سالم شد و برادرم کین به دنیا اومد، بیشتر حس کردم. دیگه حوصله منو نداشت. دعوهاشون با مامان هم بیشتر شده بود. می‌دیدم که بعضی شب‌ها یه خروار قرص می‌خوره و روزا تا دو‌بروقت می‌خوابه. همش می‌گفت میره و کیان رو هم با خودش می‌بره. من می‌ترسیدم. بازم تب می‌کردم؛ اما بابا حواسش به من نبود. دیگه منو نمی‌خواست. دیگه منو نمی‌دید».

به نقطه نامعلومی خیره شد و با صدایی که از بغض می‌لرزید، گفت: «رفت... یه روز رفت و دیگه برگشت. کلاس سوم ابتدایی بودم. خونه پر شد از آدم‌ها و دوست و آشنا. می‌شنیدم که می‌گفتن خودکشی کرده؛ اما نمی‌فهمیدم یعنی دستمو محکم گرفته بود و با خودش می‌برد. اصرار داشت رو جدول دور قطعات راه برم و نیفتسم. و من نمی‌فهمیدم چرا! دیدم که مامان اصلا گریه نکرد. می‌گفتن چشم‌اش خشک شده».

لب‌هاش رو روی هم فشار داد تا بغضشو بخوره. دست‌هاشو روی پیراهن گشاد و مردونه‌اش کشید و آروم گفت: «۱۰ سال گذشته و من هنوز تب می‌کنم. شاید به امید اینکه بابا بیاد و بغلم کنه».

۶		۷		۸	۳
	۵		۹		
		۷		۵	۴
			۲	۴	۷
۸		۲			۳
۳		۱			۴
	۹	۶		۱	۳
۱				۸	۶
۷			۹	۱	

۹		۱	۵	۲	۶	۳
	۳		۶	۹	۲	۷
۲		۲	۳			۵
	۴	۲		۸	۷	
	۹	۶	۱			
۱		۳	۷	۸	۶	
۸		۲		۵	۶	
	۲	۷	۴			۸

سودوکو سخت ۱۹۹۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۹۹۳

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۴	۵	۱	۳	۶	۷	۲	۹	۸
۲	۹	۳	۸	۱	۴	۶	۵	۷
۷	۸	۶	۵	۲	۱	۴	۳	۹
۶	۱	۵	۷	۲	۹	۳	۸	۴
۸	۲	۹	۳	۶	۷	۱	۵	۴
۳	۴	۷	۱	۸	۵	۲	۹	۶
۱	۳	۲	۶	۵	۸	۴	۷	۹
۵	۶	۴	۲	۷	۱	۸	۳	۹
۹	۷	۸	۴	۳	۲	۹	۱	۵

۸	۶	۵	۴	۷	۹	۱	۲	۳
۱	۲	۳	۵	۸	۶	۹	۴	۷
۳	۹	۲	۱	۳	۸	۶	۵	۴
۷	۸	۳	۴	۱	۷	۵	۶	۲
۹	۵	۱	۶	۳	۷	۴	۸	۲
۴	۷	۶	۸	۲	۵	۱	۳	۹
۵	۱	۹	۳	۴	۸	۲	۷	۱
۶	۴	۸	۷	۹	۲	۵	۳	۱
۲	۳	۷	۱	۵	۴	۶	۹	۸

جدول ۲۹۹۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
م	م	ح	ف	د	م	ج	د	م	ج	د	م	ج	د	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م
ث	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م	ب	ث	م

ترانه شاد نواحی جنوب ایران ۱۰- ساز استاد محمد موسوی- پاک‌تر- اسباب نواختن سنتور ۱۱- خودستایی- سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد- رمق آخر ۱۲- شهری در گیلان- زبان آذری- دل‌داده خسرو

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

جدول ۲۹۹۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از باشگاه‌های فوتبال انگلیس- وسیله‌ای برای بختن و گرم‌کردن غذا ۲- از توابع استان یزد- بهبود زخم ۳- درهم‌پیکردن ۳- فیلسوفان- حیل‌گر- زیبا و جذاب ۴- تکرار حرف دوازدهم- معادل فارسی خروج- رقم‌های بعد از ممیز در اعداد ۵ - واحد پول کامبیا- دیدار- در مسلخ عشق جز... را نکنند ۶- دچار گیجی موقت- حق‌الزحمه- قوم مغول ۷- آینده- پیاز سفت و یک تکه‌ای- ضمیر جمع ۸- خدای هندو- پیشیمانی- خلا ۹- تعجب زنانه- خوراکی در ظرف کاملاً در بسته و بدون هوا- استوار و محکم ۱۰- ریسیدن- نوعی نمایش سنتی ایرانی- ضمیر متکلم مع‌الغیر ۱۱- نصف- بدون خطر- مؤسس سلسله ساسانی ۱۲- درست‌دانستن سخن یا عملی- برابر- فلز سرچشمه ۱۳- خبرگزاری دانشجویان- دانه‌های کاشتنی- سیخکی ۱۴- بله انگلیسی- امتحان‌کردن- خوراکی از تخم‌مرغ ۱۵- نماد - بازگر مرد فیلم وقتی برگشتم (در حال اکران).

عمودی:

۱- جادوگر- شهری در استرالیا- نامید ۲- فروختن جنس بنجل- بیماری نرمی استخوان ۳- آماس- باخبر- برقرارکردن ارتباط تلفنی ۴- رویارویی- داشتن مال و ثروت- سیرداد ۵- خدای درویش- واحدی برای اندازه‌گیری زاویه- با خند ۶- سازمانی با تشکیلات مشخص- همیشگی- تلخ ۷- خیر و خوبی دیگران را می‌خواهد- امپراتور- دیوانه روم باستان- آبگیر مصنوعی روباز ۸- سعی و کوشش- ستایش‌شده- نقطه شروع ۹- خطی در دایره- ضرورت- نوعی